

فقط کتاب مقدس

دکتر چاد ون دیکسورن

در سال ۱۵۴۶، شورای ترنت، گردهمایی کاتولیک‌های رومی که بلافاصله بعد از مرگ مارتین لوتر تشکیل شد، دو حکم در مورد کتاب مقدس صادر کرد. حکم اول لعنت کردن کسانی بود که کتاب مقدس را رد می‌کردند، البته کسانی که سنت‌های کلیسای روم را "به‌طور کامل" رد می‌کردند نیز مورد لعنت قرار داد. حکم دوم ممنوع بودن مطالعه‌ی تفاسیر کتاب مقدس در مورد مسائل اخلاقی بود. شورا همچنین تفسیرهایی از کتاب مقدس که جایگاه مادر مقدس کلیسا را نادیده بگیرد یا برخلاف توافق جمعی پدران کلیسا باشد را رد کرد و توضیح داد که وظیفه‌ی کلیسا این است که "قضاوت را در مورد معنا و تفسیر واقعی کلام خدا انجام دهد."

این دو حکم مملو از بندهای پیچیده و عبارات غامض است. و دلیلی برای آن وجود دارد؛ اسقف‌های شورا در مورد رابطه‌ی بین کتاب مقدس و سنت‌های کلیسا برای تفسیر کتاب مقدس اختلاف نظر داشتند و در مورد راهی برای رسیدن به یک مصالحه با هم در بحث بودند. در بین جمع رأی‌دهندگان برای این موضوعات، سی‌وسه عضو بر این باور بودند که کتاب مقدس و سنت از اقتداری "برابر" برخوردار هستند. یازده نفر گفتند "شبه" هستند اما در اقتدار "برابر" نیستند. و سه نفر این نظر را داشتند که شورا صرفاً باید سنت‌ها را در خور احترام قلمداد کند. صحبت اقتدار یکسان کتاب مقدس و سنت کنار گذاشته شد.

اما شورا موضوع دیگری را مورد بررسی قرار داد: سی‌وهشت عضو از شورا خواستند افرادی را که کتاب مقدس و سنت را رد کرده‌اند محکوم نماید. اما سی‌وسه عضو خواستار گرفته شدن موضع ملایم‌تری بودند. آنها مایل بودند کسانی که کتاب مقدس را رد کرده بودند محکوم شوند، اما با وجود احترام نسبت به سنت‌ها صرفاً در شرایطی اسقف‌ها را در جایگاه محکوم کردن افراد می‌دانستند که آن افراد دانسته سنت‌ها را رد کرده باشند. در اینجا نیز گروه کوچک‌تر رأی را برنده شد و جمع اکثریت تمایلی برای نادیده گرفتن نگرانی‌های همکاران خود نداشت.

هدف من از روایت این اتفاقات نشان دادن موضوعی شگفت‌آور است. این که تعداد بسیاری از اعضای شورای ترنت نکاتی را اعلام کرده‌اند که هر مسیحی اصلاح‌یافته، می‌تواند تصدیق کند (فکر می‌کنم هر مسیحی پروتستان باید آن نکات را تصدیق کند). از این گذشته، تمامی مسیحیان اصلاح‌یافته می‌توانند بر سر این موضوع که کتاب مقدس نباید به‌عنوان وسیله‌ای جهت ابراز عقیده‌ی ما مخدوش شود، موافق باشند. کتاب مقدس کلام خداست: آن کلام باید ما را شکل دهد و نه اینکه توسط ما شکل بگیرد. اصلاح‌یافته‌گان همچنین می‌توانند با اقلیت کوچک رأی‌دهندگان شورای ترنت بر سر موضوعاتی موافق باشند، موضوعاتی مانند سنت‌های کلیسا، متون موثق و اعمال اولیه‌ی کلیسا شایسته‌ی احترام هستند. بله، در تاریخ کلیسا معلمین کذب وجود داشته‌اند. اما تاریخ کلیسا شاهد وجود تعالیم کاربردی و مفیدی که آموزه‌های کتاب مقدس را تأیید و تصدیق می‌کنند نیز هست. چیزهای زیادی برای یادگیری از گذشتگان وجود دارد.

در طی این دوران و رخ دادن وقایع متفاوت، اصلاح‌گران دریافته‌اند که تصورات کاتولیک‌های رومی از موضوع "توافق جمعی" در میان معلمین مسیحی قرون اولیه‌ی کلیسا هیچ‌گونه مبنای مستدلی بر واقعیت ندارد. در واقع اعتقادنامه‌ی آگسبورگ که در سال ۱۵۳۰ نوشته شد، یعنی مهم‌ترین بیانیه‌ی الهیاتی لوتری، اختلافات درون سنت رومی را برجسته نمود، از جمله تضاد میان تعالیم

کلیسا و تعالیم پدران برجسته‌ی کلیسای اولیه. با این حال اهمیت تعالیم پدران کلیسا برای همه امری بدیهی بود. اما به عنوان مرجع و اقتدار نهایی، کتاب مقدس که کلام خداوند است به تنهایی جایگاه قائم خود را دارد. به هر حال افراد حکیم و آزموده در ایمان، کتاب مقدس را به همراه تعالیم آنان که پیش از ما این راه را رفته‌اند مطالعه می‌کنند.

همچنین من این روایات را به این دلیل بیان می‌کنم که شورا به نتایج دیگری نیز رسید که هیچ مسیحی اصلاح یافته نمی‌تواند آنها را بپذیرد (و هیچ مسیحی پروتستانی نباید آنها را بپذیرد). اصولاً مسیحیان اصلاح یافته نمی‌توانستند بپذیرند که کلیسا "اقتدار قضاوت نهایی را بر تفسیر واقعی" کتاب مقدس در اختیار دارد. قرار دادن چنین اقتداری در دستان کلیسا به معنای بالاتر قرار دادن جایگاه کلیسا بر کلام خداست تا اقتدار و تفوق کتاب مقدس بر کلیسا. اصرار بر لزوم چنین تفسیری به معنی آن است که اعلام کنیم، کتاب مقدس به خودی خود واضح و صریح نیست.

در سرتاسر تاریخ کلیسای پروتستان و به گواه صدها اعتقادنامه و پرسش و پاسخ که توسط لوتری‌ها و اصلاح‌گران نوشته شده و با اتفاق نظر، بر اقتدار کتاب مقدس و کاربردی بودن آن و خواندگی کلیسا به جهت اصلاحات بر اساس آن تاکید شده است. این اعتقادنامه‌ها گاهی از نویسندگان برجسته‌ی تاریخ کلیسا نقل قول‌هایی ارائه می‌دادند. اغلب نویسندگان پروتستان از این شیوه استفاده می‌کردند. اما آنها به خوبی این را درک کرده بودند که کتاب مقدس به تنهایی دارای تمامی مشخصه‌های لازم و اقتدار نهایی به جهت نجات است. نهایتاً رابطه‌ی تعالیم، مفید بودن آنها، صداقت و متقاعدکننده بودن آنها در هر متن باید با دیگر بخش‌های کتاب مقدس سنجیده شود.

در سال ۱۶۴۶، مجمع وست‌مینستر در پایان اصلاحات طولانی انگلستان، چنین نوشته اعلام نمود،

داور نهایی که تمام مشاجرات دینی باید توسط او تبیین شود و تمام دستورات شوراها، دیدگاه نویسندگان گذشته، تعالیم انسان‌ها و نظرات شخصی باید با ارجاع به او مورد بررسی قرار بگیرد و ما باید در رأی او آرامی بیابیم، نمی‌تواند جز روح القدس باشد که از طریق کتاب مقدس سخن می‌گوید. (اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر فصل ۱ بخش ۱۰)

این صرفاً برای ثبت نگرش نویسندگان کتاب مقدس بود، افرادی که بسیاری از استدلال‌های خود را با "خداوند چنین می‌فرماید"، ابراز می‌کردند و به دنبال آن با اشاره به آیات، به کتاب مقدس استناد می‌کردند. آیا ما باید به احکام و تصمیمات شوراها احترام بگذاریم، نوشته‌های پدران کلیسا را محترم بداریم و مشتاق تعالیم آنها باشیم؟ بله. همان‌طور که مردان حکیم در گذشته اشاره کرده‌اند، می‌شود از بروز بسیاری مشکلات در کلیسا اجتناب کرد، اگر نه صرفاً به تعالیم روح القدس به خودمان بلکه به آنچه او به دیگران و در گذشته آموخته نیز توجه کنیم. با این حال هیچ‌کدام از این منابع و دیدگاه‌های حکیمانه، چه رسد به بیانات پاپ، نمی‌تواند با اقتدار کلام خدا در یک سطح قرار داده شود. اینجا باید ایستاد.

بنابراین، آیا "مشاجرات دینی" وجود دارد که باید حل شود؟ اگر چنین است برای حل آنها فقط یک معیار مشخص وجود دارد که هر مسیحی و هر کلیسایی باید در محکمه به آن اتکا کند. آیا "تصمیمات شوراها" باید مورد مطالعه و ارزیابی قرار بگیرند؟ برای این کار فقط یک کانون مشخص وجود دارد که به موجب آن می‌تواند حقانیت این شوراها و غلط بودن تصمیماتشان را مورد قضاوت قرار داد. آیا شما و دوستانتان به‌طور گسترده با "نظرات نویسندگان گذشته" برخورد کرده‌اید؟ فقط یک معیار برای محک زدن آنها وجود دارد. آیا در مکالمات، مطالعات و موعظت با "تعالیم بشری" روبرو هستیم؟ فقط یک چراغ برای دیدن و بررسی حقیقت وجود دارد. آیا در کلیسا "نظرات افراد" و یا دیدگاه‌های شخصی دیده می‌شوند؟ فقط یک راه برای قضاوت آنها وجود

دارد. فقط یک "رأی" وجود دارد که باید در آن "آرامی بیابیم". آن هم "نمی‌تواند جز روح القدس باشد که از طریق کتاب مقدس سخن می‌گوید."

دکتر چاد ون دیکسورن، استاد تاریخ کلیسا و مدیر مرکز مطالعات کاریج، بخش مطالعه و بررسی اصول اعتقادات هی وست‌مینستر در دانشگاه الهیات وست‌مینستر واقع در فیلادلفیا بوده و کتاب *Confessing the Faith* از ایشان منتشر شده است.

این مقاله در مجله **تیبل تاک** منتشر شده است.